

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی  
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

www.sabanewspaper.ir  
@sabanewspaper-ir

تهران / خیابان آیت الله مدنی / کوچه خجسته منش / شماره ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ / فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز



تحلیلی  
بر مسیر  
سینمایی امیرحسین  
ثقفی در آستانه نمایش  
«زندگی کوچک  
کوچک»

## رمزگشایی یک مسیر سینمایی

ترکیب بازیگران «زندگی کوچک کوچک» محمود نظرعلیان، یاشار چناق‌چی، بهزاد حاجی‌زاده و حبیب سیف‌اللهی. نیز در همین راستا قابل تحلیل است. این بازیگران، بیش از آنکه ستاره محور باشند، با نقش‌های شخصیت محور و سینمای مستقل شناخته می‌شوند. انتخاب آن‌ها می‌تواند نشانه‌ای از تمایل کارگردان به پرهیز از کلیشه‌های بازیگری و تمرکز بر صداقت در اجرا باشد؛ صداقتی که برای روایت یک رابطه پدر و پسر پرتنش و پیچیده، ضرورتی انکارناپذیر است.

نکته مهم دیگر در کارنامه ثقفی، حضور هم‌زمان او در مقام کارگردان و تهیه‌کننده است. این دوگانگی نقش، اگرچه فشار تولید را افزایش می‌دهد، اما امکان کنترل بیشتر بر جهان اثر و حفظ استقلال خلاقانه را فراهم می‌کند. در شرایطی که بسیاری از فیلمسازان مستقل، ناگزیر به مصالحه با خواست‌های بازار یا سرمایه‌گذار می‌شوند، ثقفی تلاش کرده است با پذیرش ریسک بیشتر، هویت سینمایی خود را حفظ کند. «زندگی کوچک کوچک» نیز به‌عنوان اثری که در چنین شرایطی تولید شده، می‌تواند نمونه‌ای از این مقاومت آرام اما پیوسته باشد.

حضور این فیلم در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، از منظر بافت کلی جشنواره نیز قابل تأمل است. در سال‌هایی که سینمای ایران با غلبه آثار کم‌دی سرگرمی محور و بحران ارتباط با مخاطب دست‌وپنجه نرم می‌کند، نمایش فیلمی با رویکردی انسانی، کم‌ادعا و تأملی، می‌تواند به‌مثابه یادآوری نقش دیگر سینما باشد؛ نقشی که نه در خندانند سریع یا شوک‌های لحظه‌ای، بلکه در ایجاد امکان گفت‌وگو، همدلی و اندیشیدن تعریف می‌شود.

در نهایت، «زندگی کوچک کوچک» را می‌توان نه صرفاً یک فیلم تازه در کارنامه امیرحسین ثقفی، بلکه حلقه‌ای دیگر از زنجیره سینمایی او دانست؛ سینمایی که به‌جای روایت‌های بزرگ و قهرمان محور، به زندگی‌های کوچک، انسان‌های خاموش و روابط شکننده توجه دارد. اگر این فیلم بتواند مانند آثار پیشین او، تعادل میان فرم، محتوا و نگاه انسانی را حفظ کند، می‌تواند جایگاه ثقفی را به‌عنوان یکی از صداهای مستقل و قابل‌اعتنای سینمای اجتماعی معاصر ایران تثبیت کند؛ فیلمسازی که باور دارد معنا، نه در هیاهو، بلکه در جزئیات زندگی روزمره پنهان است.

«زندگی کوچک کوچک» در این معنا، تنها درباره یک پدر و پسر نیست؛ درباره نسلی است که در سکوت، بار مسئولیت، تنهایی و ناکامی را به دوش می‌کشد و درباره سینمایی است که هنوز می‌کوشد این سکوت را به تصویر بکشد.

دریافت جایزه ویژه انجمن منتقدان سینما برای این اثر، تأییدی بود بر اینکه سینمای او توانسته با بدنه نقد ارتباط برقرار کند، حتی اگر در سطح مخاطب عام، مسیری دشوارتر پیش رو داشته باشد.

در ادامه، «مردی که اسب شد» (۱۳۹۳) در بخش هنر و تجربه، وجه دیگری از سینمای ثقفی را آشکار کرد. این فیلم، با ساختاری استعاری و روایتی متفاوت، بیش از پیش بر مرز میان واقعیت و ذهنیت حرکت می‌کرد و نشان داد که کارگردانش علاقه‌مند به آزمودن فرم‌ها و روایت‌های غیرمتعارف است. تندیس و دیپلم افتخار ویژه هیئت داوران جشنواره سی‌وسوم فیلم فجر، جایگاه او را به‌عنوان فیلمسازی مستقل و تجربه‌گرا تثبیت کرد؛ فیلمسازی که حاضر است برای حفظ هویت هنری‌اش، از مسیرهای امن فاصله بگیرد.

نگاهی به ادامه فیلم‌شناسی او از «هلن» (به‌عنوان فیلمنامه‌نویس)، «روسی»، «کوچه ژاپنی‌ها» تا «دست تنها». نشان می‌دهد که تنوع ژانری و روایی در آثار ثقفی قابل توجه است، اما این تنوع به معنای پراکندگی نیست. در دل این آثار، می‌توان خط فکری مشترکی را دنبال کرد: تمرکز بر شخصیت‌هایی تنها، سردرگم و اغلب در حاشیه؛ انسان‌هایی که در مواجهه با موقعیت‌های بحرانی، بیش از آنکه دست به کنش‌های بیرونی بزنند، درگیر کشمکش‌های درونی می‌شوند. سینمای ثقفی، سینمای کنش‌های کوچک و تصمیم‌های خاموش است؛ سینمایی که بحران را نه در انفجار حادثه، بلکه در سکوت، مکث و نگاه جست‌وجو می‌کند.

در این چارچوب، «زندگی کوچک کوچک» را می‌توان ادامه منطقی همین مسیر دانست. عنوان فیلم نیز به‌تنهایی حامل نشانه‌هایی معنادار است؛ تأکید بر «کوچکی» زندگی، بر جزئیات، بر لحظه‌هایی که شاید در نگاه اول ناچیز به نظر برسند، اما در شکل دهی به سرنوشت انسان‌ها نقشی اساسی دارند. اگر سینمای غالب جشنواره‌ها اغلب به دنبال روایت‌های پرتنش، موقعیت‌های حاد و درام‌های پررنگ است، سینمای ثقفی ترجیح می‌دهد دوربینش را به زندگی‌های ظاهراً معمولی نزدیک کند و از دل همان سادگی، معنا استخراج کند.

از منظر فرمی، آثار امیرحسین ثقفی عموماً از اغراق‌های بصری و خودنمایی تکنیکی پرهیز می‌کنند. میزانشن‌ها ساده‌اند، ریتم روایت کنترل شده است و دوربین بیشتر ناظر است تا مداخله‌گر. این انتخاب‌های فرمی، در راستای نگاه انسانی او به سینما قرار دارند؛ نگاهی که معتقد است فرم باید در خدمت شخصیت و موقعیت باشد، نه بالعکس. در چنین سینمایی، بازی بازیگران اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و بار اصلی انتقال احساس و معنا بر دوش آن‌هاست.

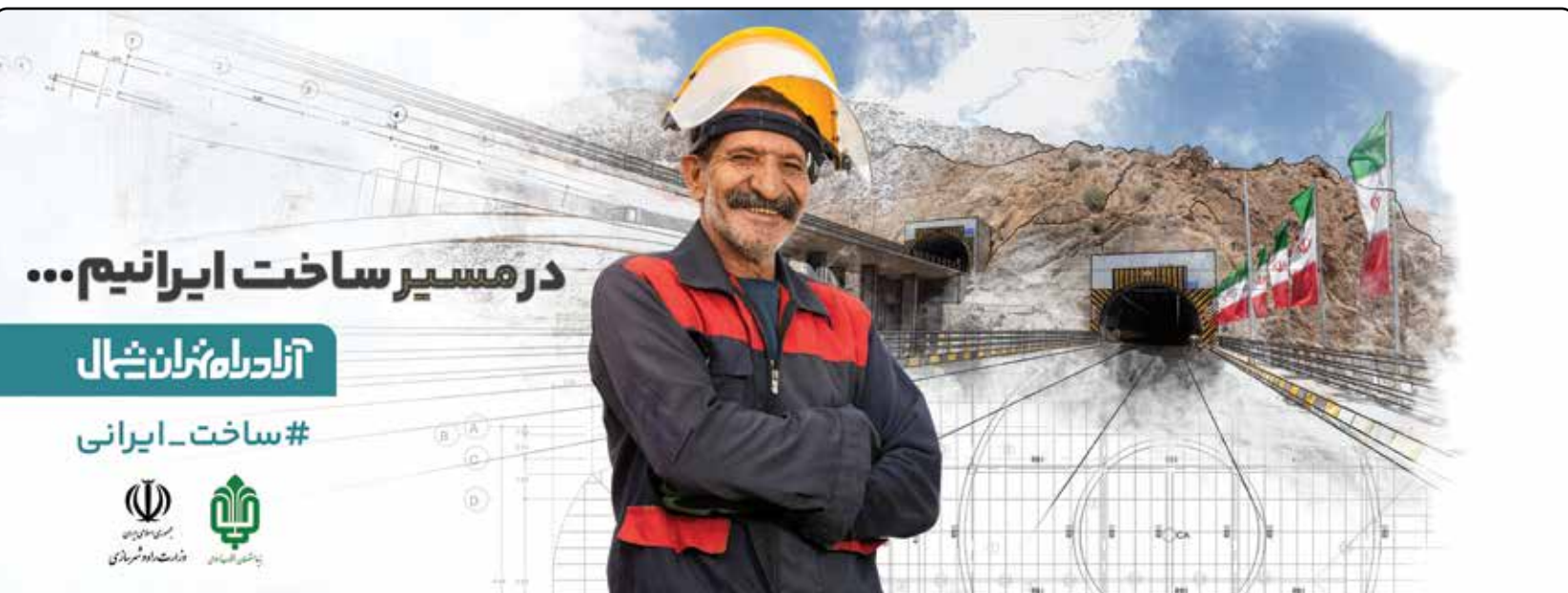
فیلم سینمایی «زندگی کوچک کوچک» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی امیرحسین ثقفی، در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درمی‌آید؛ حضوری که در نگاه نخست شاید آرام و کم‌حاشیه به نظر برسد، اما در بستر کلی سینمای ایران و با توجه به مسیر حرفه‌ای این فیلمساز، واجد اهمیت تحلیلی قابل توجهی است. ثقفی در شرایطی با فیلم تازه‌اش وارد جشنواره می‌شود که اثر قبلی‌اش، «دست تنها»، هنوز فرصت اکران عمومی پیدا نکرده و همین هم‌زمانی، بیش از آنکه نشانه تراکم تولید باشد، بیانگر نوعی تداوم فکری و اصرار بر ادامه مسیری مستقل در سینمای ایران است؛ مسیری که نه بر موج‌های زودگذر، بلکه بر دغدغه‌های انسانی، تجربه‌گرایی فرمی و روایت‌های کم‌صدا اما ماندگار استوار است.

«زندگی کوچک کوچک» بنا بر اطلاعات اولیه، روایتی درباره چالش‌های زندگی یک پدر و پسر است؛ رابطه‌ای بنیادین که در عین سادگی ظاهری، ظرفیت بالایی برای بازنمایی بحران‌های عاطفی، روانی و اجتماعی دارد. انتخاب چنین سوز‌زای، به‌خوبی با جهان سینمایی امیرحسین ثقفی هم‌خوان است. در آثار او، خانواده نه به‌عنوان نهادی امن و ایده‌آل، بلکه به‌مثابه فضایی پرتنش، ناپایدار و گاه فرساینده تصویر می‌شود؛ جایی که شخصیت‌ها در آن، بیش از آنکه به آرامش برسند، با خود واقعی‌شان روبه‌رو می‌شوند.

امیرحسین ثقفی متولد ۱۳۶۵ و فرزند علی‌اکبر ثقفی، تهیه‌کننده پیشکسوت سینمای ایران است. این پیشینه خانوادگی، به‌طور طبیعی می‌توانست مسیر او را به سمت سینمای بدنه و تولیدات کم‌ریسک سوق دهد، اما کارنامه‌اش نشان می‌دهد که آگاهانه چنین راهی را انتخاب نکرده است. نخستین فیلم بلند او، «مرگ کسب‌وکار من است» (۱۳۸۹)، نه‌تنها معرفی یک استعداد تازه بود، بلکه نشانه‌ای روشن از رویکردی متفاوت در مواجهه با روایت، شخصیت و ساختار محسوب می‌شد. فیلم، با نگاهی سرد و تا حدی ابزورد به مفهوم مرگ، شغل و اخلاق، توانست دیپلم افتخار بهترین کارگردانی از جشنواره بیست‌ونهم فیلم فجر را به دست آورد و نام ثقفی را به‌عنوان فیلمسازی جدی و جست‌وجوگر مطرح کند.

فیلم دوم او، «همه‌چیز برای فروش» (۱۳۹۱)، گامی دیگر در تثبیت این مسیر بود. این فیلم با نگاهی اجتماعی و تلخ، به مناسبات اقتصادی، اخلاقی و انسانی پرداخت و نشان داد که دغدغه‌های ثقفی صرفاً فردی یا فلسفی نیست، بلکه ریشه در واقعیت‌های ملموس جامعه دارد.

بهناز وفايي وحدت  
تحليل



در مسیر ساخت ایرانیم...

آند راه‌نشان

#ساخت\_ایرانی

سازمان راه‌سازی  
وزارت راه‌های مواصلاتی